

## **The Evolution of Naming in Iran: A Comparative Study of Two Decades (1980s and 2000s) and the Year 2021**

**Masoomeh Asadollah Sharifi<sup>1</sup>**

### **Abstract**

Onomastics, as one of the specialized and fundamental branches of linguistics, is concerned with the scientific, systematic, and methodical study of individuals' proper names. This research employs descriptive-analytical methods to investigate historical-semantic developments as well as the sociocultural applications of names. The author has examined the pattern of naming evolution in Iran. The statistical population of the study comprises personal records containing 1,500 names, including 750 male and 750 female names drawn from two specific decades: the 1980s, the 2000s, and the year 2021. The research methodology is mixed, consisting of two distinct qualitative and quantitative components. The qualitative phase involves semantic content analysis of the names, while the quantitative phase entails the statistical processing of naming data using specialized SPSS software. The findings of this study clearly demonstrate that names are not merely simplistic labels for identifying individuals; rather, they simultaneously serve as living and dynamic historical documents, reflecting social transformations, political changes, and religious beliefs within societies.

**Keywords:** Iranian names, Linguistics, Onomastics, Semantic Change.

---

<sup>1</sup> Ph.D. in Linguistics, lecturer in Farhangian university of Qazvin.  
shrfshadi@gmail.com

## بررسی تحول نام‌گذاری در ایران:

### مطالعه تطبیقی دو دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۸۰ و سال ۱۴۰۰

معصومه اسداله شریفی<sup>۱</sup>

#### چکیده

نام‌شناسی<sup>۲</sup> به عنوان یکی از شاخه‌های تخصصی و بنیادین زبان‌شناسی، به مطالعه علمی، نظام‌مند و روشمند نام‌های خاص افراد می‌پردازد. در این پژوهش با بهره‌گیری از روش‌های توصیفی-تحلیلی، تحولات تاریخی-معنایی و نیز کاربردهای اجتماعی-فرهنگی نام‌ها بررسی می‌شود. نگارنده در این پژوهش، الگوی تحول و تغییرات نام‌گذاری در ایران را تحلیل کرده است. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۵۰۰ نام اشخاص (۷۵۰ نام پسر و ۷۵۰ نام دختر) از دو دهه مشخص ۶۰ و ۸۰ شمسی و سال ۱۴۰۰ را دربرمی‌گیرد. روش تحقیق از نوع ترکیبی و دارای دو بخش متمایز کیفی و کمی است. بخش کیفی پژوهش شامل تحلیل محتوای معناشناختی نام‌ها و بخش کمی نیز شامل پردازش آماری داده‌های نام‌گذاری با استفاده از نرم‌افزار تخصصی SPSS است. نتایج این تحقیق به روشنی نشان می‌دهد که نام‌ها صرفاً به عنوان برچسب‌هایی صرف برای شناسایی افراد نیستند، بلکه به طور همزمان به عنوان اسناد زنده و پویای تاریخی، بازتاب‌دهنده تحولات اجتماعی، تغییرات سیاسی و باورهای مذهبی جوامع بشمار می‌آیند.

**کلمات کلیدی:** تحول معنایی، زبان‌شناسی، نام‌شناسی، نام‌های ایرانی.

#### ۱- مقدمه

نام‌ها به عنوان پدیده‌های زبانی-فرهنگی، از دیرباز در شکل‌دهی به هویت فردی و جمعی نقش تعیین‌کنندای داشته است. آلجیو<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) اذعان دارد نام‌شناسی به عنوان یک شاخه علمی، قدمتی به بلندای تاریخ زبان‌شناسی دارد، اما نظام‌مند شدن آن به عنوان یک رشته دانشگاهی به قرن نوزدهم در اروپا بازمی‌گردد. در این پژوهش نقش نام‌ها در بازتاب فرهنگ، تاریخ و تحولات زبانی بررسی می‌شود. این حوزه مطالعاتی، نام‌شناسی اشخاص<sup>۴</sup> و مطالعه نام کوچک افراد را دربرمی‌گیرد. روش تحقیق ترکیبی و دارای دو بخش کیفی و کمی است. بخش کیفی پژوهش شامل تحلیل محتوای معناشناختی و بخش کمی شامل پردازش آماری داده‌های نام‌گذاری با نرم‌افزار SPSS است. جامعه آماری برگرفته از آمار نام‌گذاری سازمان ثبت احوال کشور، شامل ۱۵۰۰ نام اشخاص (۷۵۰ نام پسر و ۷۵۰ نام دختر) از دو دهه مشخص

<sup>۱</sup> دکتری زبان‌شناسی، مدرس در دانشگاه فرهنگیان قزوین shrfshadi@gmail.com

<sup>۲</sup> Onomastics

<sup>۳</sup> Algeo, J.

<sup>۴</sup> Onomastics of Personal Name

۶۰ و ۸۰ و سال ۱۴۰۰ را در بر می‌گیرد. دلیل انتخاب باز زمانی دهه‌های ۶۰ و ۸۰ و سال ۱۴۰۰، پوشش سه دوره متمایز سیاسی-اجتماعی در تاریخ معاصر ایران است: دهه ۶۰ (دوران جنگ و انقلاب)، دهه ۸۰ (دوران بازسازی و اصلاحات) و سال ۱۴۰۰ (دوران کنونی با ویژگی‌های خاص فرهنگی-رسانه‌ای). در این بازه امکان بررسی تأثیر تحولات کلان اجتماعی بر الگوی نام‌گذاری بیشتر است. اهداف پژوهش تحلیل تحولات معنایی و کارکردی نام‌ها در طول تاریخ و مطالعه تأثیر عوامل اجتماعی، سیاسی و مذهبی بر نام‌گذاری است. نگارنده در این پژوهش بر آن است تا عوامل تأثیرگذار در تغییر الگوی نام‌گذاری نام‌ها را در طول زمان بررسی نماید.

## ۲- مبانی نظری

نام‌شناسی علمی با الهام از نظریه‌های زبان‌شناسی ساختاری و نشانه‌شناسی، نام‌ها را نه به عنوان برچسب‌های تصادفی، بلکه به مثابه نظامی پیچیده از دال‌های فرهنگی می‌نگرد که بازتاب‌دهنده تحولات تاریخی، باورهای جمعی و روابط قدرت در جوامع انسان‌اند.

فردینان دو سوسور<sup>۱</sup> زبان‌شناس سوئیسی، به عنوان بنیان‌گذار نشانه‌شناسی مدرن شناخته می‌شود. او در کتاب «دوره زبان‌شناسی عمومی» (۱۹۱۶) که پس از مرگش توسط شاگردانش منتشر شد، نظریه‌ای انقلابی درباره ماهیت نشانه‌های زبانی ارائه داد. سوسور (۱۹۵۹) نشانه زبانی را متشکل از دو جزء دال (صورت آوایی) و مدلول (مفهوم ذهنی) دانست که رابطه‌ای دلبخواهی<sup>۲</sup> بین آنها برقرار است. به عبارت دیگر، هیچ رابطه ذاتی بین صورت آوایی یک کلمه و مفهوم آن وجود ندارد. بنابر کولر<sup>۳</sup> (۱۹۸۶) این دیدگاه پایه‌ای برای مطالعات بعدی در حوزه نشانه‌شناسی و ساختارگرایی شد. سوسور همچنین تمایز مهمی بین زبان<sup>۴</sup> به عنوان نظام انتزاعی و گفتار<sup>۵</sup> به عنوان کاربرد عینی زبان قائل شد که تأثیر عمیقی بر مطالعات زبان‌شناسی و علوم اجتماعی گذاشت.

سوسور (۱۹۵۹) با تأکید بر ماهیت رابطه‌ای و تفاوتی معنا، استدلال کرد که معنا نه از طریق ذات نشانه‌ها، بلکه از طریق تفاوت‌های بین آنها در یک نظام زبانی شکل می‌گیرد. استروک<sup>۶</sup> (۲۰۰۳) نیز این ایده را اذعان داشت که «در زبان فقط تفاوت‌ها وجود دارند». نظریه سوسور نه تنها در زبان‌شناسی، بلکه در انسان‌شناسی، نقد ادبی و مطالعات فرهنگی نیز تأثیرگذار بود است. بنابر ایده چندلر<sup>۷</sup> (۲۰۰۷) رویکرد نشانه‌شناختی او راه را برای تحلیل نظام‌های نشانه‌ای غیرزبانی مانند مد، اسطوره‌ها و رسانه‌ها باز کرد.

---

<sup>1</sup> De Saussure, F.

<sup>2</sup> arbitrary

<sup>3</sup> Culler, J.

<sup>4</sup> Langue

<sup>5</sup> Parole

<sup>6</sup> Sturrock, J.

<sup>7</sup> Chandler, D.

نظریه او با وجود انتقادات بعدی به برخی جنبه‌های نظریه، همچنان به عنوان یکی از پایه‌های اساسی مطالعات نشانه‌شناسی معاصر محسوب می‌شود.

نظریه نشانه‌شناسی سوسور ابزار تحلیلی قدرتمندی برای مطالعات نام‌شناسی فراهم می‌کند. بر اساس دیدگاه سوسور (۱۹۵۹)، نام‌های اشخاص همچون دیگر نشانه‌های زبانی، نظامی از دال‌ها (صورت نوشتاری و آوایی نام) و مدلول‌ها (مفاهیم و هویت‌های مرتبط با آن نام) هستند که رابطه‌ای دلبخواهی بین آنها برقرار است. این دیدگاه به محققان نام‌شناسی کمک می‌کند تا نحوه تبدیل نام‌ها به نمادهای هویتی را درک کنند. نظریه سوسور به نام‌شناسان اجازه می‌دهد تا نام‌ها را نه به عنوان موجودیت‌های منفرد، بلکه به عنوان بخشی از یک نظام نشانه‌ای پیچیده تحلیل کنند. از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، نام‌ها نه تنها برچسب‌های خنثی نیستند، بلکه حامل بار معنایی و فرهنگی‌اند. همچنین، نظریه‌های هویت‌سازی نشان می‌دهند که نام‌ها ابزاری برای انتقال مفاهیم اجتماعی، مذهبی و سیاسی‌اند.

### ۳- پیشینه پژوهش

مطالعات نام‌شناسی در غرب به قرن نوزدهم بازمی‌گردد، اما در ایران بیشتر در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش‌های زیر نشان داده‌اند که نام‌ها تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله دین، سیاست و مهاجرت تغییر می‌کنند.

#### ۳-۱ مطالعات غیرایرانی

فرانکل (۱۹۴۷) در مقاله تغییر نام در بازماندگان هولوکاست: مطالعه روان‌شناختی تغییر نام‌های بازماندگان هولوکاست را بررسی کرد و نشان داد که این تغییرات نه تنها برای فرار از آزار و اذیت، بلکه برای بازسازی هویت جدید انجام می‌شد.

نیکول<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) در مقاله نام‌شناسی سیاسی: تغییر نام مستعمرات سابق، به تحلیل تغییر نام‌های مستعمرات پس از استعمارزدایی می‌پردازد و استدلال می‌کند که این تغییرات بخشی از پروژه‌های ملی‌گرایان برای احیای هویت بومی بوده است.

آلبرتز<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) در مقاله تأثیر مذهب بر نام‌های اشخاص در خاورمیانه به بررسی تأثیر مذهب بر نام‌گذاری افراد در خاورمیانه می‌پردازد. نویسنده نشان می‌دهد که نام‌های عربی، عبری و فارسی اغلب ریشه در متون مقدس دارند و بازتابی از هویت دینی خانواده‌ها هستند.

ویلسون<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) در مقاله نام‌شناسی و هویت قومی: تحلیل بین‌فرهنگی رابطه بین نام‌ها و هویت قومی را در جوامع چندفرهنگی بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهند که نام‌های خاص می‌توانند هم باعث تقویت هویت گروهی شوند و هم منجر به تبعیض در جوامع مهاجرپذیر گردند.

<sup>1</sup> Frankl, V.

<sup>2</sup> Nicol, D.

<sup>3</sup> Albertz, R.

<sup>4</sup> Wilson, J.

### ۳-۲- مطالعات ایرانی

زندى و همكاران (۱۴۰۰) در پژوهش «نقشه راه مطالعات نام‌شناسى: از رويکرد سنتى تا رويکرد شناختى- اجتماعى» پس از مرورى گذرا بر پيشينه مطالعات نام‌شناسى از منظر فلسفى و درزمانى، به مطالعات معاصر نام‌شناسى از منظر زبان‌شناسى شناختى- اجتماعى پرداختند. نتيجه سير مطالعات، بيانگر بزرگ‌تر شدن حوزه پژوهش‌هاى نام‌شناسى است و نشان مى‌دهد كه توجه به سازوكارهاى توليد واژگانى كمتر و در عوض، توجه به ساختارهاى واژگانى و رويكردهاى كمى مختلف، كه تفاوت در ميزان برجستگى فرايندهاى نام‌شناختى را مطالعه مى‌كند، بيشتر شده است.

عظيمى‌فرد (۱۴۰۱) در پژوهش نام‌گذارى اشخاص در مجموعه‌هاى تلويزيونى طنز و اجتماعى ايرانى تلاش نموده است با رويکرد توصيفى- تحليلى نام‌هاى اشخاص در مجموعه‌هاى تلويزيونى شاخص رسانه ملى در دو دهه ۸۰ و ۹۰ شمسى دو سبك طنز و اجتماعى را بررسى كند. به اين منظور، چهل مجموعه به روش نمونه‌گيرى هدفمند انتخاب شد. نام‌ها در اين مقاله به پنج دسته ملى، مذهبى، عربى خنثى، قومى و فراملى تقسيم شدند. تحليل داده‌ها نشان داد ميزان كاربرد اسامى مذهبى و عربى خنثى در مجموعه‌هاى اجتماعى بيش از مجموعه‌هاى طنز است. در عين حال، گرايش به انتخاب اسامى ملى در هر دو سبك در حال افزايش است. همچنين رويکرد متفاوتى بين انتخاب اسامى زنان و مردان مشاهده شد.

نيكو روش و همكاران (۱۴۰۲) در پژوهشى با عنوان «بررسى عوامل مؤثر گرايش به گزينش نام‌هاى ملى در كودكان در دو دهه اخير از ديدگاه زبان‌شناسى اجتماعى در شهر بيرجند» تغيير فرايند نام‌گذارى كودكان از مذهبى به ملى در شهر بيرجند را در دو دهه اخير از ديدگاه زبان‌شناسى اجتماعى بررسى كردند. با بررسى داده‌ها در دهه ۸۰ مشخص شد كه با تغيير و دگرگونى‌ها در بيشتر حوزه‌هاى اجتماعى و فرهنگى و همچنين افزايش ميزان تحصيلات، حضور پررنگ‌تر و فعال رسانه‌ها، گستردگى اينترنت و تغيير نگرش و ديدگاه خانواده‌ها از سنتى به مدرن (جديد)، گزينش نام براى پسران هم تغيير چشمگيرى از مذهبى به ملى داشته است. با بررسى داده‌ها در اين دو دهه و سال ۱۴۰۰ مشخص شد تغيير و دگرگونى در بيشتر حوزه‌هاى فرهنگى و اجتماعى باعث تغيير نگرش و جهان‌بينى خانواده‌ها مى‌شود؛ به گونه‌اى كه گزينش نام براى كودكان را هم تحت تأثير قرار مى‌دهد كه مى‌توان اين تغيير شگرف را در دو دهه اخير به ويژه در دهه ۹۰ در مورد نام‌گذارى پسران مشاهده كرد كه روند روبه افزايش قابل ملاحظه‌اى از مذهبى به ملى داشته‌اند.

جعفرى دهقى (۱۴۰۳) در پژوهش نام‌شناسى اشخاص در كتيبه‌هاى فارسى ميانه و اشكانى برخى نام‌هاى خاص در كتيبه‌هاى فارسى ميانه و اشكانى بر اساس نظريه ون لانگندونك (۲۰۰۷) بررسى نمود. بر اساس اين نظريه، در گزينش نام‌هاى خاص چهار مقوله قوميت، مليت، مذهب و امور فراملى در نظر گرفته مى‌شود. در اين پژوهش، با توجه به ماهيت نام‌ها، افزون‌بر مقوله‌هاى يادشده، مقوله نام‌هاى اساطيرى نيز به اين تقسيم‌بندى افزوده شد. ابتدا گزيده‌اى از اسامى خاص در كتيبه‌هاى فارسى ميانه و اشكانى

<sup>1</sup> Vanlangendonck, W.

گردآوری و سپس بر اساس مقوله‌های یادشده طبقه‌بندی شد. نتایج پژوهش نشان داد در این کتیبه‌ها نام‌های اساطیری بیشترین بسامد را داشتند. سپس به ترتیب نام‌های ملی و مذهبی بیش از همه به کاررفته است. این امر نشان می‌دهد براساس یکی از مهم‌ترین نظریه‌های نام‌شناسی اجتماعی، در جامعه ساسانی اسطوره نقش بسزایی داشته است.

#### ۴- روش‌شناسی

نگارنده در این پژوهش با تحلیل ۱۵۰۰ نام اشخاص در دو دهه مشخص ۶۰ و ۸۰ و سال ۱۴۰۰، الگوی تحول نام‌گذاری در ایران را بررسی نمود. روش تحقیق ترکیبی و دارای دو بخش کیفی و کمی است. بخش کیفی پژوهش شامل تحلیل محتوای معناشناختی و بخش کمی شامل پردازش آماری داده‌های نام‌گذاری با نرم‌افزار SPSS است. جامعه آماری برگرفته از آمار نام‌گذاری سازمان ثبت احوال کشور، شامل نام‌های اشخاص و حاوی ۱۵۰۰ نام (۷۵۰ نام پسر و ۷۵۰ نام دختر) از دو دهه مشخص ۶۰ و ۸۰ و سال ۱۴۰۰ را در بر می‌گیرد.

#### ۵- تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر با اتکا بر روش‌شناسی ترکیبی کیفی-کمی بررسی نظام‌مند الگوهای نام‌گذاری در بافت اجتماعی-فرهنگی ایران معاصر صورت گرفت. داده‌های پژوهش که شامل ۱۵۰۰ نمونه نام اشخاص است، از طریق روش‌های پژوهش ترکیبی از نوع اکتشافی-تبیینی با غلبه رویکرد کمی که در آن تحلیل آماری با نرم‌افزار SPSS (بخش کمی) با تحلیل محتوای معناشناختی (بخش کیفی) تلفیق شده است تا الگوی تحول نام‌گذاری در ایران در سه مقطع زمانی مشخص بررسی شود. نمونه‌گیری با رعایت اصول اعتبارسنجی گردآوری شده‌اند. آمار توصیفی نام‌های اشخاص به قرار زیر است:

| نام‌های طبیعت‌محور (%) | نام‌های باستانی (%) | نام‌های مذهبی (%) | بازه زمانی |
|------------------------|---------------------|-------------------|------------|
| ۱۳                     | ۱۵                  | ۷۲                | دهه ۶۰     |
| ۲۵                     | ۳۰                  | ۴۵                | دهه ۸۰     |
| ۲۲                     | ۵۰                  | ۲۸                | سال ۱۴۰۰   |

جدول ۱- آمار توصیفی نام‌های پسران و دختران

<sup>1</sup> Explanatory-Exploratory Mixed Methods

بررسی تحول نام‌گذاری در ایران: مطالعه تطبیقی دو دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۸۰ و سال ۱۴۰۰/۱۱

با توجه به درصدهای به دست آمده موارد زیر استخراج شد:

- کاهش نام‌های مذهبی: از ۷۲ درصد در دهه ۶۰ به ۲۸ درصد در سال ۱۴۰۰.
  - افزایش نام‌های باستانی: رشد ۳۵ درصد در دو دهه.
- در این پژوهش، داده‌ها شامل نمونه‌هایی از نام‌های اشخاص (مانند محمد، آرتان، نیکا) است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که:
- تأثیر مذهب: نام‌هایی مانند محمد، علی و فاطمه در جوامع اسلامی رواج بیشتری دارند.
  - تأثیر ملیت و قومیت: نام‌هایی مانند آرتان و آتیلا ریشه در فرهنگ ایرانی و ترکی دارند.

| نام‌های ترکیبی | نام‌های باستانی | نام‌های مذهبی | شاخص       |
|----------------|-----------------|---------------|------------|
| ۱۵٪            | ۲۲٪             | ۶۳٪           | فراوانی    |
| ۳،۱٪           | ۴،۵٪            | ۱،۲٪          | رشد سالانه |

## جدول ۲- شاخص‌های کلان نام‌گذاری پسران و دختران بر اساس طبقه‌بندی موضوعی

با توجه به آمار به دست آمده موارد زیر حاصل شد:

- نام‌های مذهبی با سهم ۶۳ درصد همچنان گزینه غالب در نام‌گذاری ایرانیان محسوب می‌شوند.
  - نام‌های باستانی با ۲۲ درصد و نام‌های ترکیبی با ۱۵ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.
- روند تغییرات به صورت زیر است:
- نام‌های باستانی با رشد سالانه ۴،۵ درصد سریع‌ترین روند افزایشی را نشان می‌دهند.
  - رشد نام‌های ترکیبی (۳،۱ درصد) از رشد نام‌های مذهبی (۱،۲ درصد) پیشی گرفته است.

یافته‌های کلان:

تغییرات الگوی نام‌گذاری بازتابی از تحولات ارزشی در جامعه ایران است.

پیامدای اجتماعی:

- ۱- کاهش تدریجی سهم نام‌های مذهبی در نسل جوان
  - ۲- رشد چشمگیر نام‌های باستانی به عنوان نشانه‌ای از بازتعریف هویت ملی
- این داده‌ها مؤید تغییرات ساختاری در نظام ارزشی جامعه ایران و تحول در الگوهای هویت‌یابی است.

| عوامل تأثیرگذار        | نام‌های دختران      | نام‌های پسران   | بازه زمانی |
|------------------------|---------------------|-----------------|------------|
| انقلاب اسلامی          | فاطمه، زهرا، معصومه | محمد، علی، حسین | ۱۳۶۰       |
| جهانی‌شدن              | ستایش، نازنین       | امیرعلی، پرهام  | ۱۳۸۰       |
| بازگشت به باستان‌گرایی | ایلیا، یسنا         | آریان، آرتان    | ۱۴۰۰       |

### جدول ۳- نام‌های پرکاربرد پسران و دختران در دو دهه ۶۰ و ۸۰ و سال ۱۴۰۰

این جدول تحول نام‌های پرکاربرد پسران و دختران در ایران را از دو دهه ۶۰ و ۸۰ و سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد و عوامل اجتماعی مؤثر بر این تغییرات را بررسی می‌کند. در ادامه تحلیل دقیق‌تری از این روند ارائه می‌شود:

تحول نام‌های پسران به صورت زیر ارزیابی می‌شود:

#### • دهه ۶۰:

نام‌های مذهبی مانند محمد، علی و حسین غالب بودند که نشان‌دهنده تأثیر قوی انقلاب اسلامی و ارزش‌های دینی در این دوره است.

#### • دهه ۸۰:

ظهور نام‌هایی مانند امیرعلی و پرهام نشان‌دهنده ترکیب سنت و مدرنیت است. امیرعلی تلفیقی از نام‌های اصیل ایرانی و اسلامی است، درحالی که پرهام برگرفته از اسطوره‌های ایرانی است. این تغییر تحت تأثیر جهانی‌شدن و تمایل به نام‌های منحصر به فرد رخ داد.

#### • سال ۱۴۰۰:

نام‌هایی مانند آریان و آرتان محبوب شده‌اند که نشان‌دهنده بازگشت به باستان‌گرایی و هویت ایرانی پیش از اسلام است. این روند ممکن است تحت تأثیر افزایش ملی‌گرایی فرهنگی باشد. تحول نام‌های دختران به صورت زیر ارزیابی می‌شود:

#### • دهه ۶۰:

نام‌های مذهبی مانند فاطمه، زهرا و معصومه رواج داشتند که همسو با فضای دینی پس از انقلاب بود.

بررسی تحول نام‌گذاری در ایران: مطالعه تطبیقی دو دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۸۰ و سال ۱۳/۱۴۰۰

- دهه ۸۰:

نام‌هایی مانند ستایش و نازنین که جهانی‌تر هستند، جایگزین نام‌های سنتی شدند. این تغییر نشان‌دهنده تأثیر رسانه‌ها و فرهنگ جهانی است.

- سال ۱۴۰۰:

نام‌های ایلیا و یسنا (از اوستا) محبوب شده‌اند که نشان‌دهنده علاقه به نام‌های باستانی و چندفرهنگی است.

عوامل تأثیرگذار در نامگذاری عبارتند از:

- ۱- انقلاب اسلامی (دهه ۶۰):

تقویت نام‌های مذهبی به عنوان نماد هویت جدید.

- ۲- جهانی‌شدن (دهه ۸۰):

- افزایش تنوع نام‌ها تحت تأثیر رسانه، سینما و اینترنت.

- تمایل به نام‌های کوتاه، مدرن و بین‌المللی.

- ۳- بازگشت به باستان‌گرایی (سال ۱۴۰۰):

- احیای نام‌های ایرانی پیش از اسلام به عنوان نماد هویت ملی.

- گرایش به نام‌های کمتر تکراری و خاص.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت:

- دهه ۶۰: غلبه نام‌های مذهبی.

- دهه ۸۰: ترکیب نام‌های سنتی و مدرن تحت تأثیر جهانی‌شدن.

- سال ۱۴۰۰: بازگشت به نام‌های باستانی و چندفرهنگی.

یافته‌ها نشان می‌دهد نام‌های پسران و دختران از غلبه نام‌های مذهبی در دهه ۶۰ (۷۲٪) به سمت نام‌های باستانی در سال ۱۴۰۰ (۵۰٪) گرایش یافته‌اند. نام‌های مذهبی مانند محمد (با فراوانی ۳۳٫۷٪)، علی (۱۸٫۴٪) و فاطمه (۱۵٫۲٪) همچنان جایگاه برجسته‌ای در نام‌گذاری ایرانیان دارند. از سوی دیگر، رشد ۴۰ درصدی نام‌های باستانی مانند آرتان و نیکا در دو دهه اخیر، بازتابی از جریان‌های هویت‌جویان در جامعه ایران پس از انقلاب است.

تحول نام‌های پرکاربرد در ایران از دهه ۶۰ تا سال ۱۴۰۰ بازتابی از تغییرات اجتماعی و فرهنگی و تحولات سیاسی است. در دهه ۶۰ تحت تأثیر انقلاب اسلامی، نام‌های پسران مانند محمد، علی و حسین و نام‌های دختران مانند فاطمه، زهرا و معصومه رواج داشتند که نشان‌دهنده غلبه گفتمان مذهبی بود. در دهه ۸۰، با گسترش جهانی‌شدن و تأثیر رسانه‌ها، نام‌هایی مانند امیرعلی و پرهام برای پسران و ستایش و نازنین برای دختران محبوب شدند که ترکیبی از سنت و مدرنیت بودند. در سال ۱۴۰۰، با گرایش به باستان‌گرایی و هویت‌یابی ملی، نام‌های پسران مانند آریان و آرتان و نام‌های دختران مانند ایلیا و یسنا راجح

شدند که نشان‌دهنده بازگشت به فرهنگ پیش از اسلام و تمایل به نام‌های منحصر به فرد است. این تحولات بیانگر تأثیرپذیری نام‌گذاری از عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در هر دوره است.

| عوامل تأثیرگذار                                  | نام‌های جغرافیایی دختران | نام‌های جغرافیایی پسران | بازه زمانی |
|--------------------------------------------------|--------------------------|-------------------------|------------|
| ملی‌گرایی پس از انقلاب، احیای فرهنگ ایران باستان | پارسیا، آریانا، ناهید    | کورش، داریوش، پارسا     | دهه ۶۰     |
| گسترش ارتباطات جهانی، تأثیر رسانه‌ها و سینما     | آتنا، آویسا، دنا         | آریا، بردیا، سینا       | دهه ۸۰     |
| بازگشت به هویت محلی و محیط‌زیست‌گرایی            | رودابه، آرسین، آلما      | کیان، تیرداد، مازیار    | سال ۱۴۰۰   |

#### جدول ۴- تحول نام‌های جغرافیایی

نام‌های جغرافیایی در ایران را می‌توان به شرح زیر تحلیل و ارزیابی نمود:

دهه ۶۰:

- ویژگی: گرایش به نام‌های باستانی مانند کورش، داریوش، پارسا برای پسران و پارسیا، ناهید برای دختران.
- عامل تأثیرگذار: پس از انقلاب، با وجود حاکمیت گفتمان اسلامی، برخی خانواده‌ها برای حفظ هویت ملی به نام‌های ایرانی باستان روی آوردند.

دهه ۸۰:

- ویژگی: ظهور نام‌هایی مانند آریا، بردیا، سینا (منسوب به کوه سینا) و نام‌های دختران مانند آتنا، آویسا، دنا (منسوب به کوه دنا).
- عامل تأثیرگذار: افزایش تماس با فرهنگ جهانی از طریق ماهواره و اینترنت، همچنین تأثیر فیلم‌ها و سریال‌های تاریخی.

سال ۱۴۰۰:

- ویژگی: تنوع بیشتر با نام‌هایی مانند کیان (به معنی سرزمین)، تیرداد، مازیار و نام‌های دختران مانند رودابه، آرسین، آلما (منسوب به رودخانه‌ها و کوه‌ها).
- عامل تأثیرگذار: رشد محیط‌زیست‌گرایی و علاقه به طبیعت، همچنین تقویت هویت محلی و قومی.

بنابراین می‌توان چنین تحلیل نمود:

- نام‌های جغرافیایی در ایران از باستان‌گرایی محض (دهه ۶۰) به ترکیب فرهنگ ملی و جهانی (دهه ۸۰) و سپس به طبیعت‌گرایی و هویت‌های محلی (سال ۱۴۰۰) تکامل یافتند.
- این تغییرات نشان‌دهنده تحول در نگرش ایرانیان به هویت، محیط زیست و تاریخ است.
- در دهه اخیر، نام‌های مرتبط با کوه‌ها، رودها و طبیعت محبوبیت بیشتری یافته‌اند که احتمالاً تحت تأثیر جنبش‌های زیست‌محیطی است.

پیش‌بینی می‌شود در آینده، نام‌های جغرافیایی خاص مناطق ایران (مثل دلب‌برای شمال یا زاگرس برای غرب کشور) بیشتر مورد توجه قرار گیرند.

## ۶- نتیجه‌گیری

نام‌ها به عنوان شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی، ابزارهای دقیقی برای سنجش تحولات جامعه محسوب می‌شوند. مطالعه روند نام‌گذاری در جوامع مختلف نشان می‌دهد که انتخاب نام‌ها تنها یک عمل فردی نیست، بلکه بازتابی از ارزش‌ها، هنجارها و تحولات تاریخی است. پژوهش‌های جامعه‌شناختی و تاریخی حاکی از آن است که نام‌ها می‌توانند به عنوان داده‌های کیفی برای تحلیل تغییرات اجتماعی، اقتصادی و حتی ایدئولوژیک به کار روند. به عنوان مثال، افزایش یا کاهش نام‌های مذهبی در یک دوره خاص می‌تواند نشان‌دهنده تحول در نگرش‌های دینی یا سیاست‌های حکومتی باشد.

نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که نام‌ها نه تنها بازتابی از تحولات سیاسی-اجتماعی هستند، بلکه به عنوان ابزاری برای بازتعریف هویت جمعی عمل می‌کنند. کاهش تدریجی نام‌های مذهبی و رشد نام‌های باستانی و طبیعت‌محور، نشان‌دهنده تغییر اولویت‌های فرهنگی خانواده‌های ایرانی است. این روند احتمالاً در آینده با توجه به گسترش رسانه‌های جهانی و تقویت گرایش‌های محیط‌زیستی شتاب بیشتری خواهد گرفت.

هر دوره تاریخی الگوی نام‌گذاری متمایزی دارد که تحت تأثیر شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آن عصر شکل می‌گیرد. برای نمونه، در دوران ملی‌گرایی، تمایل به استفاده از نام‌های باستانی یا نمادهای ملی افزایش می‌یابد، در حالی که در دوره‌های تحت تأثیر جریان‌های جهانی‌سازی، نام‌های بین‌المللی رواج بیشتری پیدا می‌کنند. این الگوها نه تنها بازتابی از هویت جمعی هستند، بلکه می‌توانند نشان‌دهنده جهت‌گیری‌های فکری و آرمان‌های غالب در یک جامعه باشند.

تغییر در نام‌ها نیز اغلب انعکاسی از دگرگونی‌های سیاسی است. در بسیاری از موارد، انقلاب‌ها، تغییر نظام‌های حکومتی یا تحولات ایدئولوژیک منجر به بازتعریف نام‌های رایج می‌شوند. به عنوان مثال، پس از فروپاشی نظام‌های کمونیستی در برخی کشورها، نام‌های مرتبط با ایدئولوژی مارکسیستی کاهش یافتند، در حالی که نام‌های برگرفته از سنت‌های بومی یا ارزش‌های لیبرالی جایگزین آنها شدند. این پدیده نشان می‌دهد که نام‌گذاری فرآیندی پویا و متأثر از شرایط سیاسی است که می‌تواند به عنوان معیاری برای سنجش میزان تأثیرپذیری جامعه از تحولات کلان به کار رود.

## منابع

- زندى، بهمن؛ منتشرى، سيد محمود و فاطمه يوسفى راد (۱۴۰۰). «نقشه راه مطالعات نام‌شناسى: از رويکرد سنتى تا رويکرد شناختى- اجتماعى»، فصلنامه زبان‌شناسى/ اجتماعى، ۴(۲): ۱۱-۲۸.
- جعفرى دهقى، شيما (۱۴۰۳). «نام‌شناسى اشخاص در كتيبه‌هاى فارسى ميانه و اشكانى»، پژوهشنامه ادبيات/داستانى، ۱۳(۱): ۵۳-۷۴.
- عظيمى فرد، فاطمه (۱۴۰۱). «نام‌گذارى اشخاص در مجموعه‌هاى تلويزيونى طنز و اجتماعى ايرانى»، نشریه زبان‌شناسى/ اجتماعى، (۲۱): ۵۵-۶۶.
- نيكوروبش، كبرى؛ قريشى، سيدمحمدحسين و حسن امامى (۱۴۰۲). «بررسى عوامل مؤثر گرايش به گزينش نام‌هاى ملى در كودكان در دو دهه اخير از ديده‌گاه زبان‌شناسى اجتماعى در شهر بيرجند»، نشریه مطالعات فرهنگى/ اجتماعى خراسان، (۶۷): ۲۰۳-۲۳۳.
- Algeo, J. (1992). Onomastics: The Study of Names.
- Albertz, R. (2002). The Influence of Religion on Personal Names in the Middle East. *Journal of Anthropological Linguistics*, 12(3), 45-67.
- Chandler, D. (2007). *Semiotics: The Basics*. Routledge.
- Culler, J. (1986). *Ferdinand de Saussure*. Cornell University Press.
- Frankl, V. (1947). Name Changes Among Holocaust Survivors: A Psychological Study. *Journal of Traumatic Memory*, 5(1), 112-130.
- Nicol, D. (2000). Political Onomastics: Renaming Former Colonies. *Postcolonial Studies*, 8(4), 201-220.
- De Saussure, F. (1916). *Course in General Linguistics*. Philosophical Library.
- De Saussure, F. (1959). *Course in General Linguistics*. Philosophical Library.
- Sturrock, J. (2003). *Structuralism*. Blackwell.
- Wilson, J. (2010). Onomastics and Ethnic Identity: A Cross-Cultural Analysis. *Ethnic Studies Review*, 33(2), 89-104.

سازمان ثبت احوال کشور (آمار نام‌گذاری)، [/https://www.sabteahval.ir](https://www.sabteahval.ir)

سازمان ثبت احوال کشور (آمار نام‌گذاری)،

<https://nameselect.sabteahval.ir/tname.aspx>

و س ر ک ا ن

.....